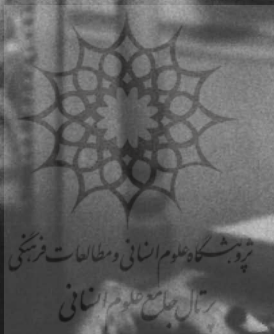


# کتابت قرآن از خوشنویسی هر متنی جداست

فربیا مقصودی

فربیا مقصودی کرمانشاهی، مولد ۱۳۴۰، مدرس انجمن خوشنویسان ایران، در دوران سلوک هنری محضر استادان، ابوالفضل عطوفی کرمانشاهی، عبدالله جواری کرمانشاهی، معین‌الکتاب اصفهانی، غلامحسین ایرخانی و حضرت ایت‌الله حاج سید مرتضی نجوهی را درک کرده است. تحصیل هنری ایشان در خوشنویسی نستعلیق بوده و از آغاز، کمابت نستعلیق را رشته اصلی هنر کسبی خود قرار داده است، زیرا معتقد است که در نزدیک به نازده سال تلمذ و تعلیم به اعتلا و جاودانگی و نابیر فرهنگی و هنری کتابت بیش از گونه‌های دیگر خوشنویسی بی‌برده و از همین نظر هم خود را صرف کار و اجرا داران آثار در زمینه کتابت کرده است. اگر چه همراه با هنر زمان، به خلق آثار ارزنده نمایشگاهی نیز پرداخته و در نمایشگاههای متعددی - به تناسب - مجال و مقال شرکت داشته است.

اولین و یگانه زن خوشنویس ایرانی است، که آثار متعدد کتابت ابدان، به طور مستقل، چاپ و منتشر شده است. این عنوان را با یک بورسی نباید بتوانیم در سطح جهان نسری بدهیم. از جمله این آثار: ۱- یادنامه علامه طباطبایی، ۲- یادنامه اسناد شهید مرتضی مطهری، ۳- مناسک حج، ۴- یک دوره پنج جلدی تاریخ شعر و ادبیات محلی کرمانشاهان که دو جلد آن چاپ و منتشر شده است و سه مجلد آماده چاپ است و منتشر خواهد شد، ۵- کنز‌العرفان (دیوان میرمحمد خالج خوران کرمانشاهی)، ۶- دیوان سید یعقوب یاهیدنسی کرمانشاهی، ۷- دیوان برون کرمانشاهی، ۸- کتابت قسمتی از دیوان برون اعتمای با جمعی از بانوان خوشنویس، ۹- شرح زیارت عاشورا تالیف ایت‌الله حاج سیداحمد میرخانی (طاب‌تراه) در یک‌هزار صفحه وزیری، ۱۰- خطبه‌های حشروت فاطمه زهرا(س) که این موارد کلا چاپ و منتشر شده‌اند، ۱۱- نسخه متعدد ابداع و رسالات و دواوین که سفارشهای خصوصی غیرمنتشره هستند، ۱۲- خوشنویسی: یوان حافظ برای نخستین بار به خط زن خوشنویس، ۱۳- و دوبار خوشنویسی و کتابت کامل قرآن کریم (سومین بار). پس از طی یک دهه کتابت و ریاضت هنری، توفیق خوشنویسی مصحف شریف را به خط نستعلیق و براساس نسخه عثمان طه یافته، ایشان نخستین زن خوشنویس مسلمان در همه کشورهای اسلامی است که سعادت به پایان رساندن کتابت این نسخه منحصر و استثنایی را با توجه و عنایت حضرت سبحان



پروفیسر کاہنہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
برائے اہل علم مع علوم انسانی

نصیب خود کرده است. این اثر ارزشمند و یگانه که از سوی استادان و کارشناسان هنری، تایید شده، با نظارت مصححین دارالقرآن تصحیح شده است و در مراسم اختتامیه مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن ۱۳۷۶ به محضر مقام معظم رهبری اهدا شد و معظم له ضمن قدردانی از این بانوی هنرمند، امر فرمودند که ضمن تجلیل از ایشان، نسخه یاد شده به نحو مناسبی چاپ شود و در اختیار علاقمندان قرار گیرد و نسخه اصلی به موزه استان قدس رضوی تقدیم شود.

خانم فریبا مقصدوی در پنجمین نمایشگاه قرآن مجید در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶، به عنوان نخستین زن خادم قرآن معرفی شد و به دریافت لوح تقدیر نائل شد. ایشان در نمایشگاههای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته است.

○ علت انتخاب خط نستعلیق در نگارش قرآن از سوی شما چه بوده است؟

علت این انتخاب شیوه سوالی است که باید در گفتگو و تحلیل و بررسی عوامل نگارش کتاب آسمانی قرآن به خطوط مختلف طرح می شد که پاسخ آن نیازمند مقدمه نمی بود. اما به هر حال عرض می کنم ما به عنوان ایرانی و به عنوان مسلمان رسانی در خدمت به علم و هنر داریم، سابقه ذهنی از خدمات متقابل ایران اسلام کمترین دلیل برای این ادعاست. نیاکان ما به هنگام پذیرش مکتب الهی اسلام - گذشته از معضلات اجتماعی و دیگر امور رایج و انسان سوز آن برهه تاریخی - در یک جامعه متمدن و با فرهنگ زندگی می کردند. آثار هنری و تاریخی به جا مانده از آن هنگام چون سنگ نبشته ها و حجاریها و نقش برجسته ها گواه این ادعاست اما چرا و به چه علت با نخستین دریافت پیام اسلام، فرهنگ و هنر و بارقه های تمدن دیرینه خود را در خدمت این مکتب نوین به کار گرفتند و ذخیره های گران سنگ فرهنگی و هنری خود را در مواردی که کنار نهادند؟ از جمله مواردی که به کناری نهاد شد، خط و خوشنویسی ایران قبل از اسلام بود که به یکباره بر آنها خط بطلان کشیدند، هر چند ایرانیان تازه مسلمان از خطوطی متنوع برخوردار بودند و حتی صاحب نظران از خطوطی یاد می کنند که در آن عصر، آوای مختلف پرندگان را با آن ثبت می کردند البته در اینجا نمی شود به تفصیل بیشتر بپردازم زیرا در حوصله زمان این گفتگو نیست. به هر حال، این جامعه متمدن در یک کلام با درک ظاهر و باطن منشور آزادی دنیا و قیامت خویشتن یعنی قرآن مجید از آن همه سرمایه چشم پوشید و استعداد علمی و هنری خود را در خدمت قرآن قرار داد. پس ایرانی، خط امروز خود را به خاطر قرآن پذیرفته و بار آورده است؛ مصداق بارز احوال مسلمانان اولیه ایرانی در مقابل قرآن مجید که خیل الممتین رستگاری انسانها در طول تاریخ بوده و هست؛ خواهد بود این بیت معروف است که:



دنیا و دین به یک نگهش ما فروخیم سودا چنان خوش است به یک جا کند کسی

اما در مقابل این بیع و شری چه به دست آوردند: عشق را به دست آوردند و زمانی که اعتقاد و عشق و استعداد؛ به هم پیوست، هنر قرآنی در دامان ایرانیان مسلمان نضج پیدا کرد. یعنی هر جا قرآن بود، هنر ایرانی هم به تمام قامت در خدمتش کمر بسته بود و به تبع آن، محبت رسول خدا(ص) و اهل بیت بزرگوار او هم سر کاروان

اما امروز، استفاده از خط نسخ در جهان عرب صورت دیگری یافته است. در صورتی که هدف اول متن و بطن قرآن است و دوم شیوه ارائه آن و دیگر خود شما با نگرش خبرگان قرآنی جهان اسلام به قرآنهای ایرانی بهتر آشنا هستید و مرا مقصد، بازگشایی آن نیست. نظر به آنچه عرض شد، آیا سزاوار است که خدمتگزاران واقعی هنر قرآنی، به ویژه کتابت قرآن مجید، پس از هزار و چند سده از درک این بخت بیدار و دریافت عنایت خداوندگار، چشمان منتظر میلیونها مسلمان ایرانی و غیرایرانی در شبه قاره هند و ایران و ماوراءالنهر را که چشمان آنان موانستی با شیوه نسخ متداول ندارد، در انتظار بگذارند و رسالت خویش را به انجام نرسانند؟ امروز که در ایران اسلامی بهترین و نیکوترین و برترین شخصیتهای قرآنی را در سطح جهان اسلام داریم، شایسته نیست که در این وادی سکوت سرد و سنگین را بپذیریم و در حد توان به کاری ماندگار دست نزنیم، زیرا همان گونه که اشاعه هنر ایرانی در بالغ بر هزار سال مرهون ترویج و گسترش اسلام بوده و هر جا اسلام حضور یافته، هنر ایرانی نیز حاضر شده، در عصر حاضر یگانه اثری که می تواند پرورشگاه هنر ایرانی باشد، قرآن است و بس. از توضیح بیشتر خودداری می کنم که چنان چه در پی توضیح بیشتر باشیم، با همین یک جوابه

○ با توجه به قرآنهايي که به خط نسخ عربي يا فارسي وجود دارد و آشنائي مردم به اين نوع خط، کدام نيازما و ضرورتها ايجاب مي کند که قرآن به خطهاي ديگري، نظير نستعليق نوشته و چاپ شود؟

جواب اين سوال را شايد از پاسخ پيشين استنباط کرده باشيد، اما بايد عرض کنم که ما خطي تحت عنوان نسخ عربي يا فارسي نداريم، نسخ عثمانی و نسخ ایرانی داریم که در ساير کشورهای اسلامی، صرف نظر از جنبه هنري حرفه‌ای در استفاده از گونه‌های مختلف خط، چون «طنبرا» و «رقاع» و «ربحان» و «ثلث» و «محقق» و ... تمامی آثارشان را اعم از نظم و نثر در صورت کتابت به خط نسخ خوشنویسی می‌کنند و در اين عرصه هم استادان بزرگ و زبردستی دارند که حتی در زمينه نستعلیق صاحب نظر و خوشنویس‌اند. اما در ایران، با ظهور شاه اسماعیل صفوی که در زمان وی نخستین قرآن به خط نستعلیق تحرير یافت و خوشنویسی شد، این روش در کشور ما دگرگون شد و حتی آنان که با تحصیل در حوزه‌های علمیه آشنایی دارند و کتاب درسی آن زمان تا زمان حال را در حوزه‌های علوم دینی بررسی کرده‌اند، همه متن و حواشی کتابهای دینی با اینکه عربي هستند (یعنی متون به زبان عربي هستند) ولی به خط نستعلیق تحریری نگارش یافته‌اند. به همین سبب، این شیوه تأثیری عمیق بر جامعه فرهنگی اسلامی در گستره وسیع جغرافیایی ایران، هند، ماوراءالنهر و حتی ترکیه عثمانی که اکنون ترکیه خوانده می‌شود، گذاشت. در واقع، خط نستعلیق، خط رسمی علویان در پهنه ممالک اسلامی شد. هر چند، بعدها با ابداع خط نسخ ایرانی در آغاز برای کتابت قرآن و سپس برای خوشنویسی کتابهای دعا از آن استفاده شد و در نزد سلاطین مقدس مآب و قشربون اشرافی که شايد در مطالعه و بازخوانی خط نستعلیق دچار اشکال بودند، تا مدتی دوباره خط نسخ (اما خط نسخ ایرانی) - آن هم در محدوده مرزهای ایران - طرفدارانی داشت. بنابراین ما در انجام رسالت اعتقادی خود نیازمند آن هستیم که برای شکوفایی و بازبایی و ترویج خط نستعلیق اقدام کنیم. مسئله بسی کهنتر و عمیقتر از این نظریات است ما نه تنها نیازمند، بلکه مسئولیم.

○ گویا خوشنویسان ديگري، قبل از قرآن را به شیوه نستعلیق نوشته‌اند. سؤال این است که کدام انگیزه‌ها و علل شما را به نگارش قرآن با این شیوه واداشت؟

بله، همان گونه که پیشتر گفتم، خوشنویسی قرآن به شیوه نستعلیق از عهد شاه اسماعیل صفوی آغاز شد و تا زمانی که این کمترین کاتب قرآن مجید، افتخار پیدا کرد و خداوند توفیق عنایت فرمود و توانستم قرآن را به شیوه نستعلیق کتابت کنم، همه قرآنهاي ما به شیوه املايي ایرانی خوشنویسی می‌شد. در مسافرتهايي که به کشورهای اسلامی داشتم و بیشتر با استادان برجسته خوشنویسی و کاتبان قرآن و صاحب نظران قرآنی ملاقات و دیدار داشتیم، از دریافت و توجه به قرآنهاي نستعلیق به خاطر تطبیق نداشتن املايي آن با نسخه معروف امام که معروف و مشهور و مقبول جهان اسلام است، انتقاد می‌کردند. بنابراین از خداوند خواستم و به فاطمه مرضیه(س) و قرآن ناطق علی(ع) متوسل شدم و از پیشگاه پیامبر عظیم‌الشان همت طلبیدم تا آرزوی دیرینه و رویای صادق‌ام را به ظهور برسانم بنابراین برای نخستین بار خط نستعلیق را براساس نسخه امام بر بالهای جهانگیر قرآن پرواز دادم و چنان که می‌دانید از باطن ائمه طاهرين، نخستین زن خوشنویس مسلمان در جهان معاصر هستیم که به فتح این قله سعادت نائل آمده است. الحمدلله رب العالمین .

○ استادان بنام خوشنویسی اعتقاد داشته و دارند که کتابت قرآن و بعد از آن اشعار شاعران و عارفان بزرگی چون حافظ و مولوی، کاری بسیار مشکل است و پایان کار هنرمند خوشنویس باید نگارش چنین کتابهای ارزشمندی باشد، از جمله یکی از شاگردان مرحوم سیدحسن میرخانی این موضوع را از ایشان نقل قول می‌کرد، آیا شما نیز چنین دیدگاهی دارید؟

البته داشتن یک عقیده با اعتقاد داشتن متفاوت است، عقاید مختلف، محترم است و هیچ یک از خوشنویسان بزرگی که ما می‌شناسیم این نظریه را در جایی ثبت نکرده‌اند، صرف نقل قول قابل استناد نیست. مرحوم استاد آقاسیدحسن میرخانی اگر چنین نظریه‌ای را فرموده، یعنی تعذبالله خودشان منتهی نبوده‌اند، چون کاتب قرآن نبوده‌اند. در صورتی که ایشان استادالاساتید بودند و بر بسیاری از استادان حق تعلیم و تدریس داشته‌اند، اما عبارت این است که، کتابت کار همه کس نیست، یعنی استادان پیشکسوت عقیده داشته و دارند که اوج هنر خوشنویسی در کتابت است. هر چند امروز اختلاف نظرهایی بروز پیدا کرده است که بنده وارد این مقوله



نمی‌شوم. اما به قول یکی از استادان خوشنویس معاصر، که می‌فرمود هر خوشنویس نخواستار علاقه‌مندی پس از مدتی مشق و ممارست می‌تواند قطعه معروف (ولیعهد گردون مهد) را که از قطعات مشهور و منتشره مرحوم عمادالکتاب است - نه به‌طور تمام و کمال، اما نزدیک به اجرای آن بزرگ - ارائه کند، اما عمادالکتاب آن است که شصت هزار بیت شاهنامه را یک دست و تمام عیار، از آغاز تا انجام، خوشنویسی کرده است و این را هم بگویم که هیچ استادی پس از پنجاه سالگی توانایی خوشنویسی کتاب متون وزین و طولانی را ندارد، زیرا کثرت شرایطی می‌خواهد، از جمیع جهات جسمانی، هنری و ... در سنین بالا نمی‌تواند از عهده ارائه هنر ذاتی خود برآید. این شعار یا به روایت جناب عالی اعتقاد، لالایی شومی است که در جامعه خوشنویسی امروز طنین افکنده است و تا جوان توانا و مستعد و معتقد، به خود بیاید، کار از کار گذشته است، زیرا زمان بی‌وقفه درگذر است و تا کله چرخ داده‌ای خوردت. بنابراین به قول شاعر

ای که دست می‌رسد کاری بکن پیش از آن، کز تو نیاید هیچ کار

نکته دیگری که در اینجا احساس مسئولیت فرهنگی اقتضا می‌کند که بگویم برای رفع ابهام به درج آن سنارش می‌کنم، این است که بر هیچ سالک راه‌رفته‌ای پوشیده نیست که از قدیم الایام تا زمان حال و حتی براساس روایت از پیامبر اکرم(ص) برترین علوم، علم ابدان یعنی پزشکی و علم ادیان یعنی علوم دینی حوزه‌ای است. اگر درقت کنیم، علت برتری این دو علم، علاوه بر اهمیت آنها در جامعه بشری، به واسطه جزئیات و موشکافیها و حساسیتهای بیش از حد تصور در این دو علم است، زیرا یکی با جسم و جان انسان و دیگری با پندار و ایمان بشر سر و کار دارد و جزئیترین خلایف در تعمیر یا ترمیم یا تفسیر هر مسئله‌ای از آنان خسروانی جبران‌ناپذیر به دنبال دارد، به صراحت ملاحظه می‌فرمایید که جدای از نوابع، شخصیت‌های متعددی داریم که در اوان جوانی با طی طریق علمی و دینی، منتهی هستند، یعنی مجتهد و متخصص شده‌اند. امروز جوانان سی و چند ساله جراح قلب و چشم و ... هستند پیوند قلب و قریبه در همین تهران در بین چراغان جوان

و متخصص، امری رایج است، حال می‌پرسم که ایام تحصیل این بزرگواران با توجه به سن و سال آنها چند سال بوده است؟ حداکثر بیست سال، که زمانی مشخص است یعنی با علاقه‌مندی و متوسط بهره هوشی و استعداد ذاتی، سالهای تحصیلی به این مرحله دست یافته‌اند. حالا این چه هنری است که کسی با همان مشخصات هوشی و ذاتی، پس از بیست و پنج سال سیر و سلوک و دود چراغ خوردن و اجزا و ارانه، هنوز باید سرمشق بگیرد و به دست دیگران بنگرد که مثلاً پس از هزاران بار نوشتن دایره و کشید، و صعود و نزول، باز در زمره مبتدیان باشد؟ کلام عقل سلیم این را می‌پذیرد که نوشتن حرف «ن» از پیوند قریبه چشم، تخصصیتر است یا از استنباط فلان حکم فقهی از بطن آیات و احادیث و ...



متأسفانه این حکایت شوم، جامعه خوشنویسی ایران را به پادگانی از سربازان مانند ساخته است که پس از سالها صرف وقت از بام تا شام، علی‌الوالم در جا می‌زنند و فرماندهانی که رهایی و آزادی و تأیید آنان را در انحصار خود گرفته‌اند، با اطاعت کورکورانه، هیچ‌گاه اجازه به میدان آمدن به آنها ندادند و فقط باید در رژه شرکت کنند. اما می‌گویم و گفته‌ام و از عهده برآمده‌ام که هر هنرمندی تا یک مرحله از سلوک هنری می‌تواند مبتدی باشد و پس از طی مدارج مستقل و مختار است. همان‌طور که تدریس می‌کند، اجازه تدریس یعنی آغاز تخصص، گواهی ممتاز یعنی عبور از مرحله مبتدی و ... تا عالی. همان‌طور که هنرجویان پس از طی مراحل به دریافت آن مدارک نائل می‌شوند، قریب پنجاه سال است که جامعه خوشنویسی کشور فعالیت آکادمیک خود را آغاز کرده است، تعداد هنرمندانی که رسماً منتهی شناخته می‌شوند به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد! در صورتی که خوشنویسی یکی از شاخه‌های علوم دوازده‌گانه علوم انسانی ادبیات است. قداماً در کنار یازده علم دیگر، این هنر را می‌آموختند و خوشنویس، ادیب شناخته می‌شد و در حالی که امروزه در رشته‌های علوم انسانی صدها تن جوان مستعد در سنین کمتر از چهل سال در بالاترین و معتبرترین دانشگاه‌های کشور چون دانشگاه تهران و شیراز و مشهد و ... به درجه دکترا نائل شده‌اند و در کنار استادان خود به تدریس در دانشگاهها پرداختند، اما صدها استعداد، سلوک دیده و راه رفته در هنر خوشنویسی در پشت دیواری به نام ممتاز قرنطینه شده‌اند، در صورتی که حتی تعداد معدود و محدود خوشنویسانی که منتهی شناخته شده و رسماً عنوان گرفته‌اند، از لحاظ مراتب اجرا و ارائه بیشتر در اوج نیستند و همگی در یک شایه نمی‌نهند، بسیاری از جوانان ممتاز و مدرس امروزه به تأیید بسیاری از نخبگان منصف از افراد منتهی مزبور، اجرا و ارائه هنری بهتری دارند، و این



امری طبیعی است. مگر در گروه‌های علمی دانشگاه‌ها همان‌طور که در یک مرحله از علم و تخصص قرار دارند؛ البته که نه! اما چون انحصارطلبی و باندبازی نبوده و ضوابط بر روابط رجحان داشته، طی طریق کرده، به پایه‌هایی براساس زحمتی که کشیده‌اند، دست یافته‌اند.

این راهم بگویم که خوشنویسی را از سال‌های ۶۰-۱۳۵۹ آغاز کرده‌ام، پس از چهار سال مراحل متوسط و خوش و عالی و ممتاز را گذرانده‌ام و قریب بیست سال است که در زمینه خوشنویسی فعالیت مستمر دارم، تدریس مستمر در کلاسهای متعدد انجمن خوشنویسان ایران، دانشگاه و کلاسهای آزاد داشته و دارم و دوره‌های متعدد کلاسهای تحلیلی و تئوری را گذرانده‌ام. محضر استادان بزرگی را در ایران و دیگر کشورهای اسلامی درک کرده‌ام و بیش از پانزده اثر خوشنویسی منتشره و دهها مورد سفارش شخصی را کتابت کرده‌ام و به شمار بیش از یک صدهزار سطر اجرا و ارائه جدی پس از طی مراحل تحصیل و تمرین و ممارست داشته‌ام تا در خدمت کتابت قرآن کمر بسته و از عهده برآمده‌ام، این راهم بگویم که هیچ هنرمندی در ایران و علی‌الخصوص در وادی خوشنویسی در زمان حیاتش به آن پایه و مایه که بود مخصوصاً در طی چهل سال اخیر از سوی رقیبان شناخته نشده، مگر بمیرد که رفع خطر شود و ارتقاء پیدا کند. سخن در این ماجرا فراوان است، ولی پرگویی از قرآن خوش است. به هر حال خدا را شکرگزارم که مدام براساس منطق فکری و استعداد ذاتی خود عمل کردم و در وادی هنر خوشنویسی که بهترین ایام عمرم را با استعداد کافی که فایزالتحصیل ممتاز رشته ریاضی هستم، صرف آن کرده‌ام. مدرسی مقلد و بی‌تحرک نبوده‌ام و البته راه نرفته و سلوک ناکرده، حدیث پرواز مگس و عرصه سیمرغ خواهد بود، ولی با پای طلب به مقصد رسیدن چیز دیگر است.

○ نگارش قرآن، جدا از خطی بودن آن، انگیزه‌های معنوی و روحانی خاصی می‌طلبد؟

این امری بدیهی است که کتابت قرآن از خوشنویسی هر متنی جداست. عشقی می‌خواهد و عنایتی در ضمن سخنان خود تلویحاً به رویایی صادقانه اشاره داشته‌م، در مصاحبه‌های دیگر نیز بیان کرده‌ام. به هر حال، همیشه این بیت علامه طباطبایی را در پاسخ این پرسش گفته‌ام که فرمود:

من خسی بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت، مرا هم به دل دریا برد

○ در نگارش قرآن به شیوه نستعلیق، آیا از شیوه استاد یا استادان خاصی پیروی می‌کنید؟

خیر، پس از خوشنویسی یکصد هزار سطر و دهها کتاب و رساله و یک دهه تدریس مستقل، به نظر چشم‌داشت و دنباله‌روی جایگاهی ندارد. در این کتابت، هنر نستعلیق را در خدمت قرآن گرفته‌ام و به ابتکار و ابداع - به تناسب - دست زده‌ام. این راهم اضافه کنم که برای انجام این مهم، الگویی موجود نبوده که برای کار الگو قرار گیرد. این اولین نسخه به این شیوه است و پس از قریب یک‌دهه تلاش با هزاران طرح و اتود و تکرار، ارائه شده است.

○ در مورد این قرآن و میزان قلم و مشخصات آن توضیح بیشتری بفرمایید.

این قرآن را به همان خط منتشرشده خوشنویسی کرده‌ام، براساس نسخه امام که مقبول جهان اسلام است و با همان صفحه‌بندی که در قرآن خوشنویسی عثمان طه است. یعنی صفحه نستعلیق را از لحاظ فتح و ضم آیات و شماره صفحات یکسان و منطبق خوشنویسی کرده‌ام، صاحب‌نظران و نخبگان هنر خوشنویسی که دستی بر آتش دارند، می‌دانند که تطبیق ششصدواندی صفحه خط نسخ و به شیوه نستعلیق درآوردن و منطبق کردن آنها جدای از جنبه هنری، ذهنی نقاد و ذراک و پویا می‌خواهد که چنین نقشی شگفت بزند. یعنی هر کدام از مراکز قرآنی که تمایل داشته باشند، بدون تغییر صفحه‌بندی قرآنهایی با ترجمه خود، می‌توانند صفحات این قرآن را به جای صفحات نسخ عثمان طه جایگزین کنند. دیگر اینکه در نسخه اصلی برخلاف شیوه امروز که متون را بر یک روی صفحه خوشنویسی می‌کنند که تعویض و تنظیم و جایگزینی را در صورت اشتباه آسان می‌کند، اما این نسخه به شیوه قدما جژه‌بندی شده و پشت و روی صفحه خوشنویسی شده است و از برکت قرآن با همه تکرار در طرحها در تطبیق صفحات حتی یک کلمه افتادگی یا اشتباهی در همه متن واقع نشد.

○ آیا قرآنی که شما کتابت کرده‌اید جنبه کاربردی دارد، یا بیشتر قرآنی است که ارزشهای هنری آن بیشتر مطرح است؟

در اینجا، هنر در خدمت قرآن است و برای استفاده صاحب‌دلان و مسلمانان طرح این سوال و تفکیک هنر از قرآن و عنوان کاربرد را صحیح نمی‌دانم. به هر حال شما را به خدا می‌سپارم و برای همه قرآن‌خوانان، آرزوی توفیق دارم.

